




 رخدادهای تازه مستند
 نشست پژوهشی سی و نهم
صد و سه روز
 مهدی بخشی مقدم
 یکشنبه ۱۰ اردیبهشت | ساعت ۶ بعد از ظهر
 خیابان کریمخان خردمند شمالی
 آعرایی ۳، پلاک ۳
 تلفن ثابت ناشر: ۰۹۰۳۲۰۲۱۹۳۱


Design — RāStudio

یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶

گزارش سی و نهمین نشست پژوهشی رخدادهای تازه مستند

ششمین نشست از سلسله نشست‌های شهر و انسان شهری در رخدادهای تازه مستند با نمایش فیلم «صد و سه روز» از ساخته‌های مهدی بخشی مقدم برگزار شد. این فیلم روایت موازی از زندگی سه فرد تبهکار در ندامتگاه تهران بزرگ است. افرادی که در سنین و موقعیت‌های مختلف جرم‌هایی را مرتکب شده‌اند.



گروه پژوهشی و مستندسازی آریتمی



گزارش سی‌ونهمین نشست رخدادهای تازه مستند

گروه پژوهشی و مستندسازی آریتمی

ریتم اصلی

روز یکشنبه دهم اردیبهشت ماه، ششمین نشست از سلسله نشست‌های شهر و انسان شهری در رخدادهای تازه مستند با نمایش فیلم «صد و سه روز» از ساخته‌های مهدی بخشی‌مقدم برگزار شد. این فیلم روایت موازی از زندگی سه فرد تبهکار در ندامتگاه تهران بزرگ است. افرادی که در سنین و موقعیت‌های مختلف جرم‌هایی را مرتکب شده‌اند و این فیلم قصد داشت با نزدیک شدن به این افراد گذشته‌ی زندانی‌ها، اعمالی که بر بدن‌هایشان جاری می‌شود و نتایج این اعمال را برای ما به تصویر بکشد. پس اگرچه زندان بدن‌های این افراد را در تسخیر خود داشت اما مساله این بود قسمتی از بدن‌های این افراد در خارج از زندان جا مانده بود و موقعیت پیشین شخصیت‌های اصلی با اکنون‌شان کشمکش را سبب شده بود. کشمکش که کارگردان در موردش گفت: اگر ما زندان را به عنوان یک نهاد بازدارنده در نظر بگیریم مسئولین و دست‌اندرکاران زندان به این نتیجه رسیده‌اند که نقش بازدارنده ندارد و به جز آن روش‌های جدیدی برای بزه به آن‌ها یاد می‌دهد، یعنی زندان نه تنها بازدارنده نیست بلکه مشوقی برای جرم است. در ارتباط با نگاه جاری به زندانی پوریا جهانشاد هم چنین گفت: «در این سال‌ها تلاش شده که نسبت‌های ژنتیکی و روانشناختی برای بزهکاری در نظر بگیرند و هدف از چنین تحلیل‌هایی برجسته کردن ویژگی‌های فردی افراد در نسبت با جرم است اما در این فیلم می‌شود کاملاً جنبه‌های لذت از بزه را ویژگی‌ای اجتماعی دید. در حقیقت یک نگاه فرادستی به این آدم‌ها وجود دارد نگاهی که با ناهنجار دانستن این آدم‌ها قصد دارد این آدم‌ها را همچون شیبه سایر افراد جامعه بکند و چنین نگاهی به جز اینکه ساده‌سازی است این مساله را نادیده می‌گیرد که این افراد در امتداد راهی نیستند که جامعه در پیش گرفته است.»

پس قرار است ما با کارگردان به زندان برویم، در زندان بمانیم، مناسبش را بر جای آوریم و بدون لحظه‌ای خیالبافی و باز شدن کورسویی به تسخیر و حبس بدن‌ها از یک‌سو و شکست این مناسب از سوی دیگر نگاهی بیندازیم. پس ببینیم فیلم چه چندریتی‌ها، هم‌ریتی‌ها و آریتمی‌هایی برای ما تولید می‌کند، آنهم دوربینی که با تعلیق مدام آزادی در پس وعده‌ی رهایی هرگز به خارج از دیوارهای بلند زندان سرک نمی‌کشد.

چندریتی

چندریتی‌ها به همگونی تن نمی‌دهند، در برابر چیزی به‌ظاهر واحد مواضع متفاوت و متضادی اتخاذ می‌کنند. این‌گونه است که چندریتی‌ها عدم توافق را به خاطر می‌آورند، جایی که هرگز همدستی‌ها رخ نمی‌دهند و ریتم‌هایی گوناگون، نواهایی که تاکنون شناسی برای شنیدن نداشته‌اند و خلق ساحت‌هایی که دیده نشده‌اند سر بر می‌آورند.

در قسمتی از فیلم ما با روایتی دوگانه از سوی یکی از شخصیت‌های فیلم روبرو هستیم او یکجا می‌گوید آرزوی این است به محض آزاد شدن باند جدیدش راه بیندازد و در صحنه دیگر شاهد این هستیم که با خواندن یک سوره از سوی مسئولان زندان تشویق می‌شود. یکی از حضار با استفاده از این دوگانه گفت: سازو برگ ایدئولوژیک دیگر ساخت سوژه برایش مهم نیست آنچه اکنون برایش مهم است انجام بازی است، یعنی دیگر این سازوکار به دنبال رام کردن هم نیست بلکه انجام بازی و ایجاد مناسب برایش کافی است.

یکی از حضار گفت: اکثر زندانیان به خاطر جرایمی خرد و کوچک بازداشت شده‌اند و این نهاد با حبس بدن‌ها قصد دارد جامعه را بهتر کند. این نهاد نه تنها بازدارنده نیست بلکه نتوانسته کسی را هم به جامعه برگرداند. زندان کارخانه فرودست‌پروری است، فرودست‌ها را می‌گیرد و آنها را حبس می‌کند و با حبس وضعیت فرودستی آنها را تثبیت می‌کند.

پوریا جهانشاد هم در همین رابطه گفت: زندان با حبس بدن‌ها انگار نه برای افراد داخل زندان که برای افراد بیرون از زندان قرار است این پیام را صادر کند که جامعه امن شده و خیالتان راحت باشد. در واقع زندان این پیام را می‌دهد که همه کسانی که ناسالم هستند یکجا جمع شده‌اند که به ما بگویند هیولاهای دستگیر شده

